

بهار کُردی

نقشه جدید خاور میانه



بهار کردی

انتشارات رامان سخن

بهار کردی: نقشه جدید خاورمیانه

نویسنده: دیوید ال. فلیپس

مترجم: آزاد حاجی آقایی

چاپ اول ۱۳۹۵ ش

تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

بهار کردی

انتشارات رامان سخن

248,000 T

برای تارا و مایا فایبیس، دختران محبوب؛
و برای کردها و رومی‌ها پیشانی؛ که آرزوی همگان صالح است

فهرست

۵	مقدمه برنارد کوشنر
۷	یادداشت مولف
۱۵	مقدمه
		بخش اول
۲۷	فصل اول: خیانت
		بخش دوم:
		تجاوز
۵۷	فصل دوم: کردها در عراق
۸۳	فصل سوم: کردها در ترکیه
۱۰۹	فصل چهارم: کردها در سوریه
		بخش سوم:
		پیشرفت‌ها
۱۳۱	فصل پنجم: خودمدیریتی در عراق
۱۶۹	فصل ششم: فرایند صلح ایمرالی
۲۰۳	فصل هفتم: از خاکستر سوریه
		بخش چهارم:
		مخاطرات و فرصتها
۲۳۱	فصل هشتم: پایان عراق
۲۴۵	فصل نهم: واکنش بین‌المللی
۲۷۱	فصل دهم: مسیر استقلال
۲۸۹	منابع

پیش‌گفتار

استاد عملگرا

به رغم آنکه علوم سیاسی رویدادها را در درجه دوم اهمیت قرار داده و با آنها از سر حزم و احتیاط برخورد می‌کند اما دیوید فیلیس مشتاق در آغوش کشیدن آنهاست. اگر شما دچار سردرگمی در روند رویدادها شدید این کتاب را بخوانید که با این کار قادر خواهید شد بین رویدادهای مهم و جزئی تمایز قایل شوید.

[فروپاشی] دیوار برلین، رخداد یازدهم سپتامبر، بحران اوکراین، بیماری‌های جهانی ایدز و ابولا از جمله رخدادهایی بودند که به ندرت کارشناسان توان پیش‌بینی آن‌ها را داشتند. دیوید فیلیس استاد عادی شما نیست؛ او یک فعال حقوق بشری است و تشخیص می‌دهد که احتمالاً می‌تواند دچار خطا شود. ما در زمانه مه‌آلودی زندگی می‌کنیم. از آنجا که این زمانه مه‌آلود نیز با دیوانگی چرخه خبری تشدید شده‌است پرسشی مطرح می‌گردد؛ چه کسانی دشمنان حاکمیت قانون هستند؟ تروریسم پس‌پشت نقاب‌های مذهب چه می‌کند؟ و چرا تغییر ژئوپولیتیک به بربریت بیشتر منتهی می‌گردد؟ دیوید فیلیس از چهره‌های تمامی این تهدیدها و بحران‌های جهان معاصر رمززدایی می‌کند. او به منابع دمکراسی‌های ما نیز باور دارد؛ اما تهدیدهای آن را نیز محتمل می‌شمارد. او می‌داند که چگونه قوانین‌المللی را به ابزاری برای صلح تغییر دهد. ظرفیت او

برای تحلیل به مثابه ردیاب منازعات آتی عمل می‌نماید. فیلیپ بیش از آنکه درصدد عزلت در اندرونی سکوت سالن‌های مطالعه، پیش‌بینی گذشته و اظهار تاسف نسبت به کارهای انجام شده باشد دوست دارد تا به عنوان شاهد فعال پریشانی‌ها و آشفتگی‌ها به متروک‌ترین دشتهای سفر کند.

مسیرهای ما در بسیاری از مواقع با یکدیگر تلاقی کرده‌اند؛ از خاورمیانه گرفته تا امریکای لاتین، از شرق اوکراین گرفته تا جنوب شرق آسیا. استاد دانشگاه کلمبیا از حلقه خبررسانان خود برای ارزیابی تاکتیکهای داعش و شانس کردها به مثابه تنها قهرمانان محلی دموکراسی برای محاصره کردن داعش در عراق و سوریه برخوردار است. او روزانه کشتارهای جمعی، خشونت تحمیل شده بر زنان و کودکان را پیگیری کرده و همه ما را به این باور رسانیده است تا حکومت‌هایمان را قانع نماییم که برای نشان دادن واکنش به این رویدادها هیچگاه دیر نیست.

فیلیپ می‌داند چگونه در کلاسهای کهنه درسی، نقشه جهان واقعی را ترسیم کند، فیلیپس برای مفسران و حاشیه‌نویسان و دیپلماتها، واقعیتها را آشکار می‌کند و برای همه‌ی ما فیلیپس جاده درخشانی در زمانه آسیمگی است.

برنارد کوشنر، برنده جایزه صلح نوبل

موسس سازمان پزشکان بدون مرز و وزیر امور خارجه پیشین فرانسه

مقدمه نویسنده

کتاب بهار کُردی حاصل تجربیات بیست ساله من به عنوان یک متخصص و پژوهشگر حوزه مسائل کُردی است. طی این سال‌ها مشاغلی را در کنگره آمریکا عهده دار بوده و نیز مناصبی را در هیات مقامی رسمی یا در اتاق‌های فکری و موسسات و دانشگاه‌های مختلف عهده دار بوده‌ام. بر مبنای این تجربیات می‌توانم اشاره کنم که کردها یکی از بهترین و قابل اعتمادترین دوستان آمریکا در خاورمیانه به شمار می‌روند. داستان این تجربه‌اندوزی از خلال رویدادهایی چند گذشت: در سال ۱۹۸۸ دکتر نجم‌الدین کریم جراح مغز و اعصاب در مریلند که اکنون عهده‌دار منصب استانداری کرکوک است، مرا در دفتر کارم در ساختمانی در ریپورن ملاقات کرد. او عکسهای دهشتناکی از غیر نظامیانی را که در جریان حملات شیمیایی به حلبچه جان خود را از دست داده بودند به من نشان داد. این عکس‌ها پیرمردی را در یک روستای سنتی، زنان و دختران کرد را پیچیده در لباسهای رنگارنگ و چادر که در خیابان‌ها چهره در خاک کشیده بودند، با صورتهایی پیچ خورده در غم و اندوه درحالی نشان می‌دادند که کف از دهانشان سر ریز و حالات دردناک منجمدشده در مرگی را به تصویر کشیده بودند.

در ۲۷ فوریه ۱۹۹۱ همان روزی که جنگ اول خلیج [فارس] به پایان رسید،

سناتور کالیفورنیا، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنا، شماری از شخصیت‌های مهم کرد را برای شرکت در کنفرانسی بین‌المللی در ارتباط با آینده دموکراسی در عراق به کاپیتول هیل دعوت کرد. این کنفرانس از سوی بنیاد حقوق بشر کنگره که من ریاست آن را برعهده داشتم سازماندهی شده بود. پُل جلسه را افتتاح و متعاقباً ادوارد کندی و دیگران آن را ادامه دادند. تام لانوتس و جان پورتر روسای مشترک بنیاد حقوق بشر کنگره سخنرانان بعدی این کنفرانس بودند. پُل چکش ریاست جلسه را به من داد. چکش ریاست دسته مستعملی داشت؛ این آئینی تاریخی بود چرا که دست‌زدن به این چکش یادآور مسئولیت مهم من در خلال روزهای بحث و گفت‌وگو بود.

پرزیدنت جورج بوش کردها را به خیزش علیه صدام حسین تشجیع کرد، اما رژیم عراق دچار فروپاشی نشد. با دست‌زدن صدام به ضد حمله، بوش چشمانش را در مقابل ترک تازیه‌های صدام بسته و این حمله به آوارگی بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر از کردها در طول مرزهای ایران و ترکیه منجر شد. پیشمرگ‌های کرد در مقابل نیروهای برتر صدام حسین در صدد دفاع از کردها برآمدند. پیشمرگ در زبان کردی به کسانی اطلاق می‌گردد که رویاروی مرگ ایستاده‌اند.

در فوریه سال ۱۹۹۲ جلال طالبانی نشست اتحادیه میهنی را در «سلیمانی» برگزار کرد. نجم‌الدین کریم و من از دیاربکر در جنوب شرق ترکیه راهی طولانی را به سوی دروازه خابور به سوی کردستان عراق پیمودیم. به درازای جاده از نفت سیاهی پوشیده شده بود. چلیک‌های نفت زیر واگن کامیونها بسته شده بودند؛ قاچاق نفت به ازای دسترسی به مواد غذایی در کردستان عراق.

حال و هوای جشن برقرار بود. نیروهای صدام حسین از کردستان بیرون رانده شده و کردها از خود-مدیریتی برخوردار شده بودند. هنگامی که فریادزدم آزادی، دموکراسی و حقوق بشر؛ غریب‌های شادی مرافقانه را شنیدم. در نشست حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی که در اگوست ۱۹۹۳ برگزار شد

پیشنهادی را مبنی بر افتتاح کنسولگری ایالات متحده آمریکا در ارییل پیشنهاد نمودم. کردها با شور و شوق از این پیشنهاد من استقبال کردند. بعد از سرنگونی صدام حسین وزارت امور خارجه آمریکا به تاسیس کنسولگری خود در ارییل دست یازید.

طی سفری به جنوب شرق ترکیه که اکثریت قریب به اتفاق ساکنان آن را کردها تشکیل می دهند، از سوی ژاندارمری ترکیه بازداشت شدم. پلیس مرا به دلیل سفر به شهرهای ماردین، سیلوی و دیگر شهرهایی که قانون وضعیت اضطراری در آنها برقرار بود مورد بازجویی قرار داد. آنها درصدد بودند دریابند آیا با حزب کارگران کردستان ارتباط داشته‌ام یا نه؟ در آن شب من با هیات مدیره سازمان حقوق بشر دیاربکر در «هتل کاروانسرای» در مسیر پیشین جاده اریش ملاقات کردم که در بخش قدیمی دیاربکر و در دروازه ماردین واقع شده است. آنها از بازداشت، شکنجه و توهین و پرخاشگری به کردها از سوی نیروهای ترک گفتند؛ دیری نپایید که حکایت به واقعیت پیوست. نیروهای ژاندارمری در بیرون مترصد بودند و اعضای این سازمان را به درون ون‌های پلیس هل دادند. فرماندار دیاربکر سهل‌انگانه وعده پیگیری این دستگیری را داد.

مارک گارسون سفیر آمریکا در ترکیه مرا به دکتر دوغوارگیل رئیس دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه آنکارا معرفی کرد. ارگیل در همان زمان پژوهشی را به اتمام رسانیده بود که با تحریف، مبارزان کرد را به عنوان تجزیه طلب و شبه نظامی معرفی کرده بود، و نیز نشان داده بود که قریب به اتفاق کردها خشونت حزب کارگران کردستان را تقییح و تحقق اهدافشان را از طریق تداوم دمکراتیزاسیون و الحاق ترکیه به نهادهای اروپایی - آتلاتیکی ترجیح داده‌اند. ارگیل درصدد بود تا پژوهش خود را از طریق یک پروژه گفت و گو و مشورتی عملیاتی نماید. ما نشست‌هایی را با شخصیت‌های مهم کرد و ترک در قصری قدیمی در فرانسه، ویلایی ساحلی در سوئیس و سپس صومعه ای در بلژیک پیگیری کردیم. با قدم‌زدن در گستره تاریخ آنها منشوری منتشر و خواستار حقوق سیاسی، فرهنگی و توسعه اقتصادی گشتند.

ترکیه بعد از جنگ اول خلیج [فارس] از تحریمهای اعمال شده جامعه جهانی بر عراق از مشکلات مالی رنج می‌برد. بعلاوه این کشور از پیشرفتهای در حال وقوع در کردستان عراق در رنج بود؛ مبادا این تحولات الهامبخش نارضایتی در میان کردهای ترکیه شود. آنکارا نه از صدام حمایت به عمل آورد و نیز نه از مداخله نظامی در راستای آن میان برداشتن وی؛ که این امر مقامات ترک را از وقوع ناآرامی در منطقه به هراس وامی‌داشت. سرنگونی صدام حسین اولویت آشکار جورج بوش بعد از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر بود. سفیر ویلیام ج. برنر دستیار وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک NEA مرا به مشارکت در روند انتقال سیاست در عراق ترغیب نمود. قباد طالبانی نماینده اتحادیه میهنی کردستان در واشنگتن مقدمات سفر من را در ژوئای ۲۰۰۲ به کردستان عراق مهیا نمود. من طی سفری هوایی به قامیشلی، شهر کردنشین شمال شرق سوریه سفر کردم. در ساختمانی خاکستری بر کناره‌های رودخانه دجله، یک مامور رسمی سوریه، طی پذیرایی با چای مدارک من را برای مسافرت به عراق از طریق سوریه بازرسی کرد. قباد در سوریه یک کد چهار رقمی را برای من تعریف کرده بود: ۳۴۶۲. مامور برای اطمینان این کد را در دفتر خود نیز کنترل کرد. مجوز عبور من صادر شد.

سوار بر قایقی ماهیگیری از رودخانه دجله عبور کردم. از دور توانستم پرچم کردها و نوشته‌ای را بینم «به کردستان عراق خوش آمدید». به سرعت به محل نشستی با مسعود بارزانی منتقل شدم. کردها در حال پیشبرد طرحی برای حکومت آینده در عراق بودند. پیش نویس طرح آنها مبتنی بر استقلال داخلی بود. این طرح یک عراق فدرال و دمکراتیک را با کنترل امنیت محلی و منابع طبیعی برای کردها در نظر داشت. صرفاً امنیت مرزها و سیاست ملی به حکومت مرکزی سپرده شده بود. این پیش نویس نیازمند تنها قدمی کوچک برای دستیابی به استقلال بود.

برنر و رایان کروگر من را در جریان گذاشتند که به واشنگتن بازگردم. اندکی بعد دستیار وزیر امور خارجه در امور خاور نزدیک من را مامور پیوستن به

«پروژه عراق آینده» نمود که تلاشی بینا-سازمانی و متشکل از صدها عراقی برای برنامه‌ریزی عراق بعد از صدام بود. رایان کروکر که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ به عنوان سفیر آمریکا در عراق به فعالیت مشغول بود در خط مقدم قرار داشت. او از من خواست تا با «گروه کاری اصول دمکراتیک» که عراقیها آن را «مادر تمامی گروههای کاری» می خواندند همکاری کنم. این گروه کشتادترین مباحث را از جمله؛ تقسیم قدرت، مالکیت منابع، امنیت محلی، مذهب و وضعیت کرکوک را که شهری با منابع غنی نفت و محل منازعه کردها، اعراب و ترکمن ها بود را مد نظر قرار می داد.

کشورهای همسایه رخدادهای عراق را تحت تاثیر خود قرار می دادند. در سال ۲۰۰۵ جواد ظریف نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد برای معرفی و بازدید از انستیتوی مطالعات سیاسی و بین‌المللی که یک اندیشکده وابسته به وزارت امور خارجه ایران در تهران است از من دعوت به عمل آورد. من به طور خصوصی با مقامات، روشنفکران و دیگر ایرانیان فعال در فرایند انتقال عراق دیدار و با آنها به بحث و گفت و گو پرداختم. افسران امنیتی ایرانی برای بحث درباره آینده عراق در ویلایی از من پذیرایی به عمل آورده و در ارتباط با حوزه های مشترک منافع بین آمریکا و ایران بحث و گفت و گو به عمل آمد.

تحولات ترکیه نیز از تاثیر به سزایی در کردستان عراق برخوردار بود. گزارش من تحت عنوان «خلع سلاح، بسیج زدایی و عادی نمودن اوضاع و ادغام مجدد حزب کارگران کردستان» در اکتبر سال ۲۰۰۷ منتشر گردید. دیالوگ بین کردها و ترک‌ها در عراق به گزارش دیگری تحت عنوان «اعتمادسازی بین ترک‌ها و کردهای عراق» منجر گردید. در اگوست سال ۲۰۰۹، احزاب اپوزیسیون ترکیه کنفرانس هایی پیاپی را به منظور متهم کردن رجب طیب اردوغان مبنی بر توطئه آمریکا برای عادی سازی روابط کردستان با ترکیه برگزار می کردند. آنها به من لقب معمار طرح آمریکایی خیانت به منافع ترکیه را بخشیدند.

من که با تبلیغات ناخواسته‌ای از سوی ترکها مواجه شده بودم، درصدد برآمدم تا صرفاً به سبک‌وسیاقی متمایز، همراه با رصد افکار عمومی و رسانه‌های

ترک و بین‌المللی، با کلوپ مطبوعات ملی و پارلمان اروپا سخن گفته و متعاقباً در جلسه‌ای در کمیته نمایندگان کنگره آمریکا حول امور خارجی شهادت بدهم. شیوع جنگ داخلی در سوریه فراخوانی برای اقدام به شمار می‌رفت. کردها در سوریه همزمان هدف حملات حکومت و گروه‌های وابسته به القاعده قرار گرفتند. کردها در روژآوا آواره شده بودند و گونه‌ای سرآسیمگی در نواحی کردنشین همجوار با مرز ترکیه-سوریه پدید آمده بود. وزارت امور خارجه آمریکا برای ایجاد یک معاهده معنادار با اپوزیسیون سوریه در حال تقلا برآمده بود. من سفیر روبرت س. فورد فرستاده ویژه آمریکا به سوریه را رو در روی یک فرایند دو مرحله‌ای قرار دادم: گردهم آوردن کردهای سوریه به منظور مباحثه حول تمهیدات و همکاری با یکدیگر در راستای مدیریت منطقه و نیز گسترش دامنه‌ی شمولیت این اقدام به سایر اقلیت‌ها. در ماه مارس ۲۰۱۳ قریب به چهل نفر از کردهای سوری در کنفرانسی درباره آینده سوریه بعد از اسد حضور یافتند. شرکت کنندگان در این کنفرانس به شرح جنایات رژیم، گلوله باران‌های بی‌رویه، موشک‌های اسکاد و حملات هوایی پرداختند. شرکت کنندگان در این کنفرانس با این گفته که سستی و عدم اقدام آمریکا به افراطیون اجازه قاپیدن انقلاب را داده است، نقش آمریکا را در سوریه به باد انتقاد گرفتند.

اگرچه حزب اتحاد دمکراتیک عمده‌ترین گروه کرد در سوریه قلمداد می‌شد، اما از مشارکت نمایندگان این حزب در کنفرانس پاریس ممانعت به عمل آمد. این نشست از سوی طرح ابتکاری مشارکت خاورمیانه‌ای حکومت آمریکا حمایت مالی می‌شد. اگرچه حزب اتحاد دمکراتیک به لحاظ ایدئولوژیک همراستای حزب کارگران کردستان قلمداد می‌شد، اما این حزب در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی FTO قرار نداشت. ممانعت از حضور حزب اتحاد دمکراتیک بیشتر یک تصمیم سیاسی بود و نه ناشی از یک الزام حقوقی. در ژانویه ۲۰۱۴ از حضور حزب اتحاد دمکراتیک در گفت و گوهای صلح ژنو نیز ممانعت به عمل آمد.

من، صالح مسلم رئیس حزب اتحاد دمکراتیک را به ایالات متحده آمریکا

دعوت کردم. اما او موفق به اخذ روایت آمریکان نشد. حتی اگر نمایندگی‌های آمریکا نیز با اعطای روایت به وی موافقت می‌کردند، واشنگتن برای پذیرش وی نیازمند چراغ سبز آنکارا بود. اعطای حق و توبه آنکارا از سوی واشنگتن، گونه‌ای کوتاه‌بینی محسوب می‌گردد که شانس برخورداری از یک توافق سیاسی فراگیر را در ارتباط با سوریه تقلیل می‌دهد.

کردها اکنون در یک تقاطع تاریخی قرار گرفته‌اند. این کتاب نیز راوی داستان سرگذشت آنهاست. پژوهشگران فراوانی از مساله کرد و خاورمیانه مطلعند. اما در مقایسه با من، شمار اندکی از آنها با سابقه‌ای طولانی درگیر مسائل مرتبط به کردها بوده‌اند. قلیلی از این پژوهشگران از تجربه کاری من با کردها، همگام با اطلاع از خطوط حزبی و کشورهای مختلفی که در آنها زندگی می‌کنند برخوردارند؛ و شمار اندکی از این پژوهشگران در مقام یک پژوهشگر، کنشگر و یک مقام سیاسی رسمی به سان من درگیر این مساله بوده‌اند. این صفحات، راوی تاریخ تراژیک خیانت بار و استثماری هستند که کردها آن را تجربه کرده‌اند، اما از سوی دیگر این صفحات راوی داستان امیدوارانه‌ای از پیشرفت و تحول برای کردهایی نیز هستند که آماده تحقق بخشیدن به حقوق و آرزوهای ملیشان برآمده‌اند.

دیوید فیلیپس

نیویورک

۱۱ اکتبر ۲۰۱۴

DISARMING, DEMOBILIZING, AND REINTEGRATING THE KURDISTAN WORKER'S PARTY

این مقاله در آدرس ذیل قابل دسترسی می‌باشد.

<https://www.ncafp.org/articles/07%20Report%20on%20Disarming,%20Demobilizing%20and%20Reintegrating%20the%20Kurdistan%20Workers%20Party.pdf>